



2012/07/14

قيس کبير

بررسی سه بُعد شوینیزم ایران

بخش دوم

بُعد مذهبی

برای شرح بُعد مذهبی کافی است که از عدم موجودیت مساجد برای اهل تسنن، توهین و تحقیر اصحاب و خلفای راشدین، فقدان مطلق پیروان اهل سنت در حاکمیت (سیاسی، اقتصادی و غیره) نام برد.

در این میان نکته دلچسپ و در خور توجه آنستکه که فیصدی پیروان اهل تشیع در افغانستان برابر با کمیت اهل تسنن در ایران می باشد. در افغانستان در برابر اهل تشیع هیچ گونه موانع در راه اجرای مناسک دینی قانوناً و عملاً وجود ندارد و علاوه بر این بصورت وسیع در قوای سه گانه کشور اشتراک می ورزند.

در عین حال با تأسف باید اذعان کرد که حلقات معین افراطی با تشویق و تحریک مقامات آخندی ایران همواره کوشش می کنند تا روزهای بزرگداشت از آیت الله خمینی، روز عاشورا و غیره را به رنگ و بوی ایرانی آن در قلمرو مستقل کشور افغانستان برگزار کنند و از حقوق مدنی و مذهبی خویش به نفع حلقات معین اجنبی سوء استفاده نمایند. با در نظر داشت اینکه سابقاً در افغانستان در برابر اجرای مناسک مذهبی هیچ نوع موانعی وجود نداشت سوالی مطرح میشود که چرا امروز یکباره همه آن سنن پسندیده ای که جامعه چندین مذهبی و تحمل پذیر ما با آن خو گرفته رنگ سیاسی گرفته و همه شهر با رنگ و شمایل قم گونه سیاه پوش میشود؟ مثالهای جامعه مدنی پاکستان برجسته ترین نمونه این زور نمایی مذهبی است که سالانه صد ها تن طی آن جان می بازند. اگر وضع به همین منوال ادامه یابد ترس آن وجود دارد که این نوع خود نمایی های سیاسی روزی خدای نا کرده به میدان خونین رقابت های مذهبی مبدل شود و آسیب پذیرترین افراد درین میان برادران عذاب کشیده هزاره ما خواهد بود نه آخوند های ایرانی دستور دهنده.

ملت و کشور ما با احترام تاریخی و فطری به مذاهب و ادیان مختلف برآستی هم می تواند در منطقه نمونه ای برای پیروی بحساب آید. ما همه مثل سابق همدیگر خود را تحمل کرده میتوانیم و در مراسم همدیگر در زیر لوای همان فرهنگ تحمل پذیری شرکت می نمایم.

قبل از سال 1991 و کشمکش های خونین داخلی بطور مثال، برادران اهل تشیع با عزت و وقار در خور احترام در تکیه خانه هایی که در سراسر کشور وجود داشت، با کمال آزادی به ادای مناسک دینی خویش می پرداختند. اما امروز این جشن ها کاملاً شکل و حتی ماهیت بیگانه را بخود اختیار نموده است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

کابل پایتخت کشور و نبض نمونه همه ادیان برابر و برادر افغانستان ، هنگام بزرگداشت از روزهای مذهبی برادران اهل تشیع، چهره بدل می کند و بیشتر به « قتم » یا « مشهد » یا « تهران » میماند نه همان کابل تاریخی و تحمل پذیر. هر سو سیاه پوشان افراطی با چهره های غضب آلود و پر از خون به نظر میرسند. با دیدن این همه خون و سیاهی احساس میشود که همین اکنون در جهنم قرار داری نه در روی زمین. وحشتناکتر آنکه همه این سیاه پوشان مسلح نیز بوده و فارغان مدارس خاص آخندهای ایرانی می باشند. شرحه همین مسئله را میتوانید در مقاله تحلیلی و دلچسپ جناب حفیظ الله خالد از نظر بگذرانید : [لینک. لشکرکشی های خیابانی در شهر کابل](#)

رژیم آخندی مؤفانه توانسته با پول هنگفت خود مسئولین دولتی افغانستان را چنان اجیر بسازد که امروز سفیر این کشور با زیر پا نمودن همه اصول دیپلماتیک در افغانستان به خود حق می دهد بر وزیر اطلاعات و فرهنگ کشور مستقل افغانستان امر کند که کدام فلم یا پروگرام در افغانستان به نمایش گذاشته شود یا از نمایش آن جلوگیری صورت بگیرد!؟:

در اینجا بجا است که از منع نمایش فلم های افغانی به نام های "مدرسه" و "همسایه" که حکایتگر جنایت رژیم اسلامی ایران در برابر افغانها در خاک ایران حکایت می باشند یاد آوری کرد. هکذا از منع قرار گرفتن پروگرام تلویزیونی "ملا زاده" در یکی از چینل های تلویزیونی به اصطلاح روشنگر و آزاد (تلویزیون پیام افغان) نیز در همین راستا باید نام برده شود.

بررسی اوضاع در این رابطه در داخل افغانستان:

امروز دیگر از هیچکس پنهان نیست که تعداد اجیران پان پارسیزم از یکسو و فعالیت های نابکار آخذ های ایرانی از سوی دیگر در افغانستان بیداد می کنند.

استفاده از لغات نامأنوس و نامطلوب فارسی ایرانی در تلویزیون ها، روزنامه ها و رادیو ها قوس صعودی خود را می پیمایند. دولت ایران همه ساله ده ها میلیون دالر را برای اجیر ساختن هرچه بیشتر مسئولین امور فرهنگی و نشراتی در کشور ما با استفاده از شیوه های خاص استخباراتی استخدام و به اصطلاح "فرهنگیان، نخبگان و فرهیختگان. . ." و غیره به مصرف می رساند.

پول مذکور در مقایسه با درآمد سالانه ایران از درک عواید نفت که به رقم 70 میلیارد دالر می رسد قطره ایست در دریا، اما همین قطره برای اجیر ساختن افغان های بی اراده و فرزندان ناخلف این خاک که تسلیم نیرنگ های پان ایرانیست ها میشوند کافی است.

در اینجا با کمال افتخار و مسرت، لازم می دانم از همه شخصیت های با اعتبار و دانشمندان توانای کشورم یاد آوری کنم که با توانمندی خستگی ناپذیر سد راه تهاجم فرهنگی و استعمار پان ایرانیست ها شده اند و با نوشته های مستدل، علمی و بی همتای خویش همچون سیلاب عظیمی بالای عمال فروخته شده "فرهنگستان" کذائی پارسی ها ریختند. بخاطر فعالیت های خستگی ناپذیر این افغانهای وطن دوست از دل و جان در برابر ایشان سر تعظیم فرود می آورم.

ادامه دارد

[بررسی سه بُعد شوینیزم ایران- بخش اول](#)

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولئ